

داستان دلدادگی داود بر زن اوریا

و از بنده ما داود یاد کن که (دراجرای امرما) بسیار نیرومند بود (از احدی اندیشه نداشت) و دائم به درگاه ما توبه و انابه میکرد و ما کوهها را با او مسخر کردیم تا شب و روز الله را تسبیح و ستایش کنند و مرغان را مسخر (نغمه خوش او) کردیم که نزد او مجتمع گردند همه به دربارش از هر جانب بازآیند (و در ستایش الله با او هم آهنگ شوند) و در ملک و شاهی او را نیرومند ساختیم و به او قوه درک حقایق و تمیز حق از باطل عطا کردیم. وای رسول آیا حکایت آن دو (فرشته به صورت) خصم به تو رسیده است که از بالای غرغه عبادتگاه (داود بی اجازه) بر او وارد شدند. هنگامی که داخل شدند در محراب داود سخت هراسان شد (که مبادا دشمن باشند) آنان بدو گفتند مترس ما دو تن خصم یکدیگریم که بر هم ستم کرده ایم (و به حکومت پیش تو آمده ایم) میان ما به حق حکم کن و با هیچیک جور و طرفداری مکن و ما را به راه راست دلالت فرما. این برادر من نودونه راس میش دار است و من یک میش این یک را هم گفته به من واگذار و یا من به قهر و غلبه (و تهدید آمیز) خطاب کرده. داود گفت البته (به حکم حق) بر تو ظلم کرده که خواسته است یک میش تو را به نودونه میش خود اضافه کند و بسیار معاشران و شریکان در حق یکدیگر ظلم و تعدی میکنند مگر آنان که اهل ایمان و عمل صالح هستند که آنها هم بسیار کمند. (پس از این قضاوت بی تامل و سریع) داود دانست که ما او را سخت امتحان کرده ایم در آن حال (پشیمان و تائب شد و) از الله عفو و آمرزش طلبید و با تواضع و فروتنی به درگاه الله باز گشت. الله هم از آن کرده عفو کرد و از او درگذشت و او نزد ما بسیار مقرب و نیکو منزلت است.

(مفسرین عامه گویند داود به زن اوریا که بسیار زیبا بود تمایل داشت و این از او ترک و الانی بود فرشتگان به صورت دو بشریه محاکمه نزدش آمدند و او را متنبه ساختند و پشیمان گردید، اما حضرت امیر (ع) فرمود هر کس به داود یا زن اوریا حوالتی دهد من او را دو حد میزنم یکی برای نبوت یکی برای اسلام .

و اما ترک اولای داود در اخبار امامیه این بود که در قضیه ای پیش از تقاضای بینه و شاهد حکم کرد. ای داود ما تو را در روی زمین مقام خلافت دادیم تا میان خلق خدا به حق حکم کنی و هرگز هوای نفس را پیروی نکنی که تو را از راه الله گمراه سازد و آناتکه از راه الله گمراه شوند چون روز حساب (و قیامت را) فراموش کرده اند به عذاب سخت معذب خواهند شد.

.....
.....

و به داود فرزندش سلیمان را عطا کردیم او بسیار نیکو بنده بود زیرا بساریه درگاه الله (باتضرع و زاری) رجوع میکرد. (ای رسول) ما یاد کن وقتی را که بر او اسبهای بسیار تندرو و نیکو را هنگام عصر ارائه دادند (و او به بازدید اسبان پرداخت برای جهاد در راه الله و از نماز عصر غافل ماند در آن حال گفت (افسوس) که من از علاقه و حب (اسبهای) نیکو از ذکر و نماز الله غافل شدم تا این که آفتاب در حجاب شب رخ بنهفت (آنگاه با فرشتگان موکل آفتاب خطاب کرد که به امر الله) آفتاب را بر من باز گردانید (چون برگشت اداء نماز کرد) و شروع به دست کشیدن بر ساق و یال و گردن اسبان کرد (و همه را برای جهاد در راه الله وقف کرد).

برداشت از سوره سی و هشتم، آیه های ۱۷ تا بالای ۳۴ قرآن ترجمه مهدی الهی قمشه ای که زیر شماره ۶۲/ در تاریخ ۳۱/۳/۶۷ به گواهی وزارت ارشاد جمهوری اسلامی ایران رسیده است.

پیش از آن که به دیگر نادرستیهای این داستان الله فرموده بپردازم. پرسش من از همه خوانندگان و دانشمندان و روشنفکران و آیت الله های ریز و درشت چیره شده بر ایران این است که:

خواندن کدام بخش از این داستان بی پایه و اساس دلدادگی و دست درازی داود یهودی بر زنی همسر دار می تواند برای آمرزش روان مردگان ایرانی سودمند باشد. و کدام بخش آن ارزش ادای سوگند دارد که نا آگانه بیست و چهار ساعت، هم برای آمرزش روان مردگان ایرانی خوانده میشود و هم بدان سوگند یاد مینمایند؟

در کنار این داستان دلدادگی یا (زنای محصنه) داود چند داستان ریز و درشت دیگری هم دیده میشود که نشان دهنده ناآگاهی و ناتوانی الله یا نویسندگان داستان برای الله است که نمیتوان از کنار آنها گذشت.

۱- الهی که در بیشترین آیات کلام الله خود را بی شریک و تنها آفریننده زمین و آسمان میداند در آیه ۱۸ همین سوره چنین میگوید (و ما کوهها را با او (یعنی داود) مسخر کردیم) که معنی اش اینست با همراهی و یاری او بر کوهها دست یافتیم، گرفتیم و رام کردیم.

الله با این گفتار روشن به ناتوانی خود و یاری دادن داود در مسخر کردن کوهها اعتراف کرده پس بی شریک نیست؟

۲- در آیه ۱۹ میگوید: مرغان را مسخر نمه خوش او (یعنی داود) کردیم. این اعتراف نیز نمایانگر آنست که الله اهل ساز و آواز بوده و آنچنان از نغمه خوش شادمان میشده است که مرغان هوارا نیز از این شادی بی بهره نمیگردد. حالا چرا اسلام نغمه خوش را از گناهان بزرگ به شمار می آورد. باید گفت الله بهتر میداند؟

۳- آیه های ۲۱ تا ۳۶ درباره آمدن دو فرشته به نزد داود در پیوند با زنای (محصنه) او یعنی دست درازی بر زنی همسر دار. که پس از آگاه شدن الله از کرده خود پشیمان گردیده. الله دادگر مهرورزانه نه تنها از این گناه بزرگ و نابخشودنی او در گذشته که مقام پادشاهی به او بخشیده و بسیار گرامی هم داشته است. گرامی داشتن داود تنها به این فرمود بوده است که وی از ستایش و سپاسگذاری الله هرگز سرپیچی نکرده و بسیار هم کوشا بوده است.

خوشا به حال همه کسانی که حلقه بندگی الله را برگردن دارند تا بتوانند آزادانه به جان و مال و ناموس مردم دست درازی کنند کیفر نبینند و پاداش هم بگیرند.

۴- با اینکه گوینده داستان داود و همسر اوریا خود الله است و کسی نباید به گفته او دودل باشد. ولی حضرت امیرگفتار الله را در این باره رد میکند و میگوید هر کس چنین سخنی بگوید نادرست گفته. من او را دوحه میزنم. یکی برای نبوت و دیگری برای اسلام!

چنان بود دادگری الله و چنین است دیدگاه ولی الله او که سخن یکدیگر را نمی پذیرند.

برای اینکه دریابیم علی و الله کدام یک درباره نبوت و مسلمانی داود درست میگویند و آیا داود نبی برگزیده الله و مسلمان بوده است یا یهودی و پیرو یهوه؟ تورات کتاب مقدس یهودیان راز را برای ما به روشنی آشکار میسازد.

۵- اگر اخبار امامیه هم به پیروی از امام علی این درستی را زیرپا گذاشته او هم همچون علی گفتار الله را زیرپا گذاشته است.

۶- در آیه ۳۰ میگوید: ما به داود فرزندش سلیمان را عطا کردیم. او بسیار نیکو بنده بود زیرا به درگاه الله باتضرع و زاری رجوع میکرد.

(بایسته یادآوری است که این سلیمان دومین فرزند از همان بتشیع همسر اوریا حتی است که داود او را بدرون رختخوابش کشانید ولی الله از گناهش درگذشت).

۷- در آیه ۳۱ به بعد میگوید: وقتی هنگام عصراسبهای زیبا را به او ارانه دادند و او سرگرم بازی با اسبها شد. آفتاب غروب کرد و نماز عصر را از دست داد و متاسف شد. آنگاه از فرشتگان موکل آفتاب خواست تا به امر الله آفتاب را به او باز گردانند. که بازگردانیدند و او نماز را بجای آورد و اسبها را در راه جنگ به سود الله بخشید؟

این داستان همانند دیگر داستانهای آمده در کلام الله یکی از ابلهانه ترین و ناآگاهانه ترین داستانها نی است که الله در نمی یابد شب و روز و یا تاریکی و روشنایی بستگی به گردش زمین به دور خود و خورشید دارد نه با برگرداندن خورشید از شامگاه به نیمروز که اگر چنین شود نظام جهان هستی زیر و زبر خواهد گردید.

وانگهی این الله تا چه اندازه نیازمند تملق گونی است که بجای کيفردادن بر سلیمان برای بجا نی آوردن یک وعده نماز آماده است جهان هستی و همه موجودات را فدای یک وعده نماز کند!

براین باوربا من هم رای خواهید بود که الله آمده درکلام الله خدا نیست و همان حجرالاسود بی زبان جابخوش کرده درخانه کعبه است که محمد بنام او هرچه دل تنگش خواسته نوشته است.

اگر این داستان نادرست و ناپذیرفتنی آمده درکلام الله را بپذیریم و بنادرست بیندیشیم که با این جا به جانی خورشید هیچ روی دادی هم روی نداده و نمیدهد الله دادگر پاسخ همه کسانی را که نماز عصر را بجای آورده بودند و آنگاه ناگزیر بر دوباره ادا کردن آن گردیدند چه داد؟

با این که دربی پایه و اساس بودن این گونه داستانهای الله فرموده آمده درکلام الله جای هیچگونه دودلی نیست. همانگونه که یادآور شدم چون این داستان درتورات کتاب مقدس یهود هم پیشینه دارد. باهم بدرون تورات که بسیارکهن تر از کلام الله است میرویم تا این درستی روشن گردد که آیا یهوه خدای بنی اسرائیل است یا الله و آیا داود و سلیمان خود را پیرو الله میدانند یا یهوه تا سیه روی شود هرکه دروغش باشد.

تورات کتاب دوم سموئیل باب یازدهم

و واقع شد در وقت عصر که داود از بسترش برخاسته برپشت بام خانه پادشاه گردش کرد و از پشت بام زنی را دید که خویشتن را شستشو میکند و آن زن بسیار نیکو منظر بود. پس داود فرستاده درباره زن استفسار نمود و او را گفتند که آیا این بتشیع دختر الیعام زن اوریای حتی نیست و داود قاصدان فرستاده او را گرفت و او نزد وی آمده داود با او همبستر شد و او از نجاست خود ظاهر شده به خانه خود برگشت و آن زن حامله شد و فرستاده او را مخبر ساخت و گفت که من حامله هستم.

پس داود نزد یوآب فرستاد که اوریای حتی را نزد من بفرست و یوآب اوریای را نزد داود فرستاد و چون اوریای نزد وی رسید داود از سلامتی یوآب و از سلامتی قوم و از سلامتی جنگ پرسید و داود به اوریای گفت که خانه ات برو و پایهای خود را بشو پس اوریای از خانه پادشاه بیرون رفت و از عقبش خوانی از پادشاه فرستاده شد اما اوریای نزد درخانه پادشاه با سایر بندگان آقايش خوابیده به خانه خود نرفت.

و داود را خبر داده گفتند که اوریای به خانه خود نرفته است پس داود به اوریای گفت آیا تو از سفر نیامده ای چرا به خانه خود نرفته ای. اوریای به داود عرض کرد که تابوت و اسرائیل و یهودا در خیمه ها ساکنند و آقام یوآب و بندگان آقام بر روی بیابان خیمه نشین اند و آیا من به خانه خود بروم تا اکل و شرب بنمام و با زن خود بخوام به حیات تو و به حیات جان تو قسم که این کار را نخواهم کرد.

و داود به اوریای گفت امروز اینجا باش و فردا تو را روانه میکنم پس اوریای آن روز و فردایش را در اورشلیم ماند. و داود او را دعوت نمود که در حضورش خورد و نوشید و او را مست کرد و وقت شام بیرون رفته بر بسترش با بندگان آقايش خوابید و به خانه خود نرفت. و بامدادان داود مکتوبی برای یوآب نوشته بدست اوریای فرستاد.

و در مکتوب به این مضمون نوشت که اوریای را در مقدمه جنگ سخت بگذارید و از عقبش پس بروید تا زده شده بمیرد. و چون یوآب شهر را محاصره میکرد اوریایا در مکانی که میدانست که مردان شجاع در آنجا میباشند گذاشت و مردان شهر بیرون آمده با یوآب جنگ کردند و بعضی از قوم از بندگان داود افتادند و اوریای حتی نیز بمرد.

پس یوآب فرستاده داود را از جمیع وقایع جنگ خبر داد..... و چون زن اوریای شنید که شوهرش اوریای مرده است برای شوهر خود ماتم گرفت. و چون ایام ماتم گذشت داود فرستاده او را به خانه خود آورد و او زن وی شد و برایش پسری زانید اما کاری که داود کرده بود به نظر خداوند ناپسند آمد.

باب دوازدهم

و خداوند ناتان را نزد داود فرستاد و نزد وی آمده او را گفت که در شهری دو مرد بودند یکی دولتمند و دیگری فقیر و دولتمند را گوسفند و گاو بی نهایت بسیار بود و فقیر را جز یک ماده بره کوچک نبود که آنرا خریده و پرورش داده همراه وی و پسرانش بزرگ میشد از خوراک وی میخورد و از کاسه او می نوشید و در آغوش میخوابید و برایش مثل دختری بود.

و مسافری نزد آن دولتمند آمد و او را حیف آمد که از گوسفندان و گاوان خود بگیرد تا بجهت مسافری که نزد وی آمده بود مهیا سازد و بره آن مرد فقیر را گرفته برای آن مرد که نزد وی آمده بود مهیاساخت. آنگاه خشم داود بر آن شخص افروخته شده به ناتان گفت که به حیات خداوند قسم کسی که این کار را کرده است مستوجب قتل است. و چون این کار را کرده است و هیچ ترحم ننموده بره را چهار چندان باید رد کند ناتان به داود گفت آن مرد توهستی.

و یهوه خدای اسرائیل چنین میگوید من تو را بر اسرائیل به پادشاهی مسح نمودم و من تو را از دست شانول رهائی دادم. و خانه اقامت را به تو دادم و زنان آقای تو را به آغوش تو و خاندان اسرائیل و یهود را بتوعطا کردم و اگر این کم می بود چنین و چنان برای تو مزید میکردم. پس چرا کلام خداوند را خوار نموده در نظر وی عمل بدبجا آوردی و اوربای حتی را به شمشیر زده زن او را برای خود به زنی گرفتی و او را با شمشیر بنی عمون به قتل رسانیدی.

پس حال شمشیرازخانه تو هرگز دور نخواهد شد به علت اینکه مرا تحقیر نموده زن اوربای حتی را گرفتی تا زن تو باشد. خداوند چنین میگوید اینک من از خانه خودت بدی را بر تو عارض خواهم گردانید و زنان تو را پیش چشم تو گرفته به همسایه ات خواهم داد و او درنظر این آفتاب با زنان تو خواهد خوابید. زیرا که تو این کار را به پنهانی کردی اما من این کار را پیش تمام اسرائیل و درنظر آفتاب خواهم نمود.....

پایانه: در این جای کوچکترین دودلی نیست که داستان داود با همسر اوربای حتی بیش از یک داستان نیست که هم در تورات و هم در کلام الله آورده شده است.

با اینکه سوره دوم (البقره) آیه های ۴۱، ۹۰، ۹۲، درستی درون مایه تورات را گواهی دارند و در آیه ۸۷ همین سوره الله میگوید (ما به موسی کتاب تورات را عطا کردیم) به روشنی دیده میشود که درونمایه داستان آمده در کلام الله و تورات به هیچ روی با هم برابری ندارند.

۱- الله در کلام الله میگوید: ما کوهها را با داود مسخر کردیم و مرغان هوا را نیز مسخر نغمه خوش او کردیم در حالیکه چنین گفتاری در تورات دیده نمیشود؟

۲- الله در کلام الله میگوید من دو فرشته به صورت خصم پیش داود فرستادم که یهوه در تورات میگوید من ناتان را فرستادم؟

۳- الله سخن از دو برادر یکی دارنده سد میش و دیگری یک میش به میان آورده. در حالیکه تورات سخن از دو مرد یکی دولت مند دارای گاو و گوسفندان بسیار و دیگری فقیر و تنها دارای یک بره که آن بره را هم دولت مند گرفته و برای مهمانش خوراک پخته است؟

۴- در کلام الله دست درازی داود بر زن اوربیا بسیار کوتاه و از زبان مفسرین گفته شده. ولی در تورات به گستردگی و از زبان یهوه آمده است؟

۵- الله در کلام الله خود از این گناه بزرگ داود در گذشته داود را گرامی داشته و مقام پادشاهی نیز بخشده است. در حالیکه یهوه در تورات بر داود خشم گرفته و به سختی کیفر داده و پادشاهی را هم از او گرفته است؟

۶- الله در کلام الله میگوید داود نیک بنده من بود. که داود در تورات خودش را بنده یهوه میداند؟

۷- شگف انگیز اینکه علی و پیروان امامیه او داستان به این روشنی آمده در تورات و کلام الله را رد میکنند و نادرست میخوانند. علی میگوید هر کس چنین سخنی بگوید من او را دو حد میزنم یکی برای نبوت و دیگری برای اسلام؟

بر این باور علی باید هم به الله و هم به یهوه حد زده باشد. زیرا گوینده داستان این دو خدا بودند ولی درباره حد اسلامی علی از یادش رفته است که داود مسلمان نبود و یهودی بوده است.

الله در سوره دوم (البقره) آیه ۸۷ میگوید تورات را من به موسی عطا کردم. در حالیکه در تورات (سفر لایوان باب هیجدهم آیه های ۷-۶-۵-۲-۱-) چنین آمده است (و خداوند موسی را خطاب کرده گفت بنی اسرائیل را خطاب کرده به ایشان بگویند من یهوه خدای شما هستم پس فرایض و احکام مرا نگاهدارید...)

۸- الهی که درونمایه تورات را می پذیرد و میگوید تورات را من به موسی عطا کرده ام. اگر در گفتارش از راستگویان است. چرا درونمایه کلام الله او با تورات چنین دوگانگی چشمگیری دارد؟

۹- اگر الله را همان یهوه خدای بنی اسرائیل بدانیم. چرا در قرآن به داود چنین مهرورزی کرده و در تورات چنان سخت به کیفر رسانیده است؟

۱۰- با این بررسی کوتاه به این پایه میرسیم که الله نه تنها یهوه خدای بنی اسرائیل نیست و نه تنها فرستنده تورات نیست و نه تنها خدا نیست. همان حجرالاسودی است که محمد نامش را بدرون قرآن سوره هفدهم (الاسرا) آیه ۱۱۰ برده و با این دروغها کوشیده است که او را جانشین یهوه خدای بنی اسرائیل بکند. هرکس که قرآن را بخواند و با تورات هم آشنائی داشته باشد به سادگی درمی یابد که نه تنها داود که همه انبیای بنی اسرائیل که نام شان در قرآن آمده ست پیرو یهوه خدای بنی اسرائیل هستند و الله کوچکترین جایگاهی دربرگزیدن آنها و انین یهود ندارد.

برای اینکه دریابید همه انبیای بنی اسرائیل پیرو یهوه بوده اند. نه الله مهرورزیده به آیه های زیر برداشت از (کتاب مقدس یعنی کتب عهد عتیق و عهد جدید که از زبانهای اصلی عبرانی و کلدانی و یونانی ترجمه شده و به همت انجمن کتب مقدسه در میان ملل به چاپ رسیده) مراجعه نماید.

برگهای ۸۵ و ۸۶ (سفرخروج) باب سیم آیه - ۱۵ یهوه خدای پدران شما ابراهیم. اسحق. یعقوب.
برگ ۱۰۶ (سفرخروج) باب پانزدهم. خداوند مرد جنگی است. نام او یهوه است و دهها آیه دیگری که میگویند یهوه خدای بنی اسرائیل.
برگ ۱۸۳ (سفرلاویان) باب نوزدهم آیه های ۱ و ۲ یهوه خدای موسی.
برگ ۵۳۸ (کتاب اول پادشاهان) باب هشتم آیه های ۶۱-۶۰-۵۷-۲۹-۲۵-۲۳-۱۵-۱۲ - و همه میگویند یهوه خدای بنی اسرائیل.
برگ (۶۴۵ کتاب اول تواریخ ایام) باب سیزدهم آیه های ۱ و ۲ و برگ ۶۵۱ (باب هفدهم) آیه های ۱۶ و ۱۷ یهوه خدای داود.
با اینهمه با خوانندگان است که پس ازبرابری قرآن با تورات خود داوری کنند.

آله دال فک

13 خرداد ماه/2712

دوم ماه ژوئن 2004

درفش کاویانی



<http://derafsh-kaviyani.com/parsi/>